

میزان تجارت در ارزش افزوده

دکتر محمد رضا رفعتی

وارداتی صادرات از یک پنجم در سال ۱۹۹۵ به یک سوم در سال ۲۰۰۹ رسید.

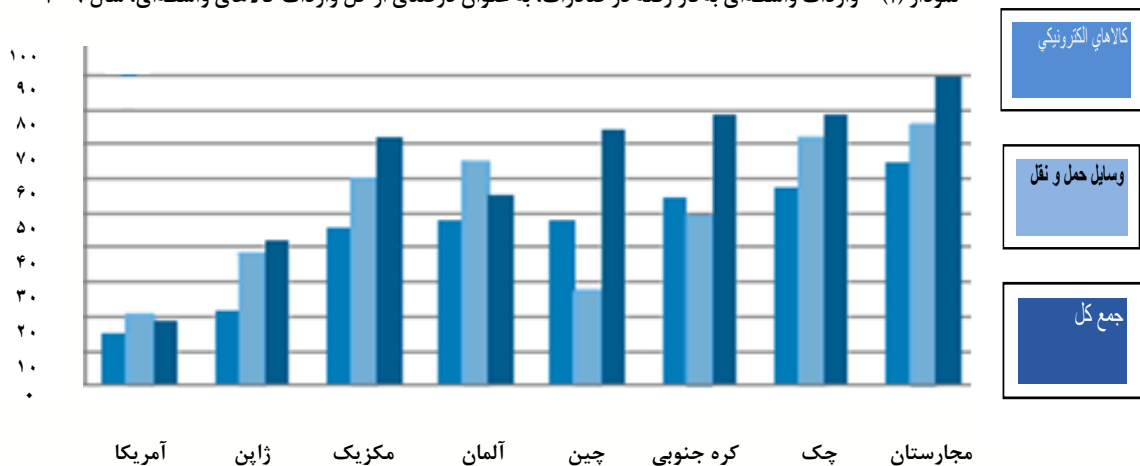
الگوی مشابهی نیز در آسیا ظهور پیدا کرد که به ویژه منعکس کننده ظهور چین و ادغام آن در زنجیره ارزش جهانی پس از الحاق آن به WTO در سال ۲۰۰۱ بود. در سال ۲۰۰۹ یک سوم محتوای صادرات چین از واردات تامین می‌شد. در حالی که این رقم در سال ۱۹۹۵ تنها ۱۲ درصد بود.

در اکثر کشورها، سهم نهاده‌های واسطه‌ای وارداتی در تولید کالاهای صادراتی در حدود یک سوم است. اما در برخی کشورها این رقم بسیار بالاتر است. به عنوان نمونه، در مجارستان، چین، کره جنوبی، و مکزیک حدود سه چهارم نهاده‌های وارداتی واسطه‌ای الکترونیکی در تولید محصولات صادراتی به کار برده می‌شوند. هرچه اقتصادها بزرگ‌تر باشند، این رقم کاهش می‌یابد، لکن حتی در ژاپن ۴۰ درصد قطعات مصرفی در تولید خودروهای صادراتی، وارد می‌شوند (نمودار ۱).

طبق پایگاه اطلاعاتی OECD-WTO، در خلال دو دهه اخیر محتوای وارداتی کالاهای صادر شده جهان به سرعت افزایش یافته است. در کشورهایی که دارای رژیم تجاری نسبتاً باز و آزاد هستند و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آنها زیاد است، معمولاً محتوای خارجی صادرات آنها بالا است. اما عوامل دیگری نظیر ادغام و تخصص‌گرایی در زنجیره ارزش جهانی نیز در این زمینه تاثیرگذار هستند. از سوی دیگر، کشورهایی که در زمینه خدمات تخصص یافته‌اند یا دارای منابع طبیعی سرشار هستند یا در فاصله بسیار دوری از بازارهای جهانی قرار دارند، محتوای وارداتی صادرات آنها اندک است.

در اروپا، محتوای وارداتی کالاهای صادراتی کشورهای در حال گذار، نظیر جمهوری چک، مجارستان و اسلواکی در سال ۲۰۰۹ به حدود ۴۰ درصد رسید که نسبت به ارقام مشابه در سال ۱۹۹۵ افزایش قابل ملاحظه‌ای داشت. زیرا این کشورها به تخصص‌گرایی در زنجیره ارزش محصولات الکترونیکی و خودرو روی آوردند. در آلمان نیز محتوای

نمودار (۱) - واردات واسطه‌ای به کار رفته در صادرات، به عنوان درصدی از کل واردات کالاهای واسطه‌ای، سال ۲۰۰۹



برحسب ارقام ناخالص، ۲۸ درصد صادرات کره جنوبی در سال ۲۰۰۹ به کشور چین اختصاص داشت، لکن برحسب ارزش افزوده این رقم تنها ۱۴ درصد بود. تفاوت این دو رقم ناشی از پردازش کالاهای واسطه‌ای کره جنوبی توسط چین و صدور آنها به کشورهای ثالث بود. الگوهای مشابهی برای دیگر کشورهای صادرکننده به چین نظیر مالزی و تایلند دیده می‌شود.

تغییر در الگوی تجارت:

پراکنده شدن تولید در طول زنجیره ارزش و تجارت در کالاهای واسطه‌ای به مفهوم آن است که ارقام ناخالص تجارت ممکن است باعث انحراف در تفسیر واقعی تجارت میان کشورها شود. ارقام ناخالص تجارت باعث زیاد نمایی تجارت با کشورهای همسایه شده و به همین نسبت از اهمیت اقتصادهایی که در فاصله دور قرار دارند و مصرف‌کننده نهایی کالاهای ساخته شده هستند، می‌کاهد.



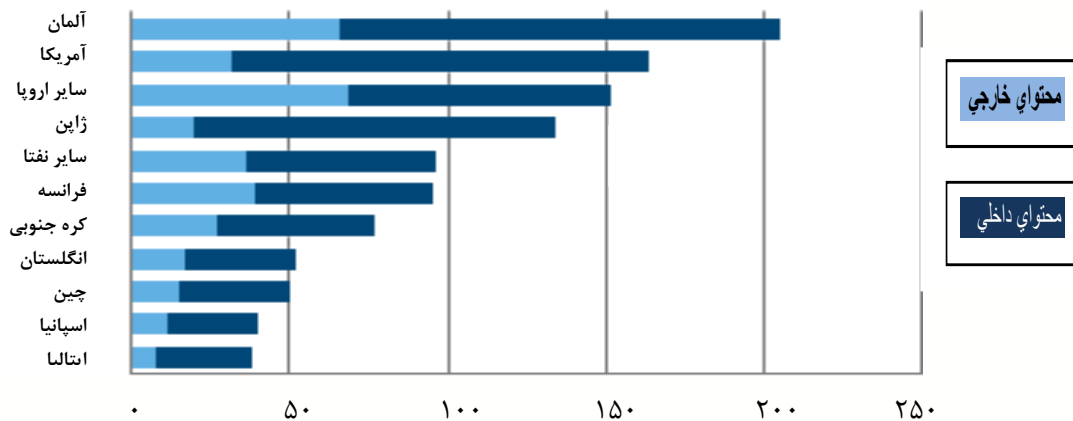
رقابت پذیری و واردات:

در جهانی که زیر سلطه زنجیره‌های ارزش جهانی قرار دارد، بهبود بهره‌وری و رقابت‌پذیر ماندن مستلزم دسترسی به واردات کارآمد کالاهای واسطه‌ای است. گرچه محتوای وارداتی کالاهای صادر شده روندی رو به افزایش داشته است، لکن این موضوع را می‌توان در برخی صنایع با وضوح

بیشتری ملاحظه کرد.

در صنعت وسایل حمل و نقل: محتوای وارداتی کالاهای صادر شده بالا بوده و طی دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹ به شدت افزایش یافته است، به گونه‌ای که در آلمان و فرانسه نزدیک به دو برابر شده است (نمودار ۲).

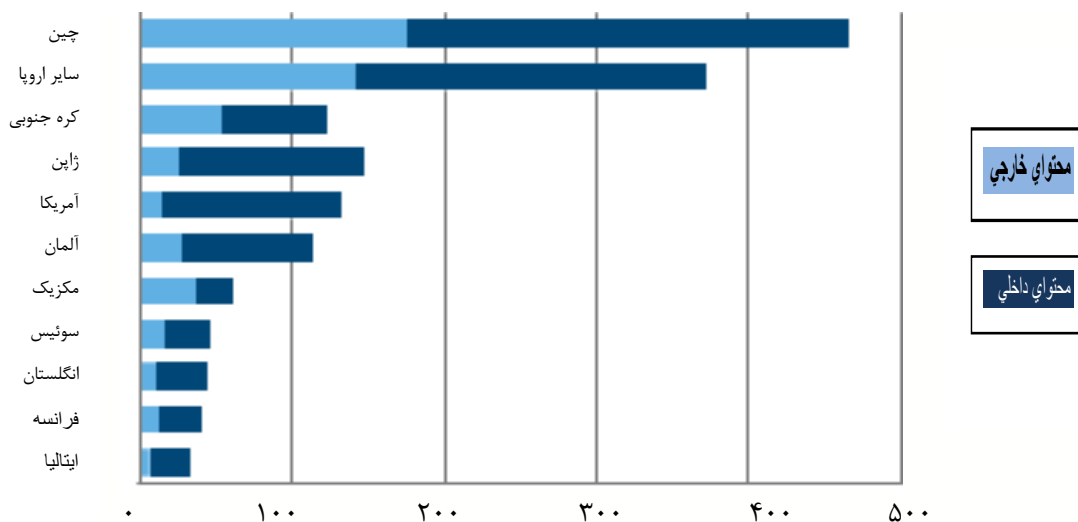
نمودار (۲) - محتوای وارداتی کالای صادراتی وسایل حمل و نقل، ۲۰۰۹، میلیارد دلار



طی دوره فوق سه برابر و در مجارستان، کره جنوبی، هند و ژاپن دو برابر گردیده است (نمودار ۳).

الگوهای مشابهی را می‌توان در صنایع دیگر، نظیر: **صنایع محصولات الکترونیکی** مشاهده کرد. به عنوان نمونه، محتوای خارجی صادرات محصولات الکترونیکی در چین

نمودار (۳) - محتوای وارداتی کالای صادراتی صنایع الکترونیکی، ۲۰۰۹، میلیارد دلار



صادرات به واردات قطعات و کالاهای واسطه‌ای آنچه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، توانمندی طراحی محصول و تولید آن در چارچوب سیستم‌های ادغام یافته مهندسی است. ایجاد چنین توانمندی‌هایی را باید در شرکت‌های ایرانی مورد توجه و تشویق قرار داد و به آنها مساعدت نمود تا در این حوزه‌ها ارتقاء یابند.

مباحث فوق نشان می‌دهد که واردات کالاهای واسطه‌ای می‌تواند در خدمت توسعه صادرات باشد. این در حالی است که در کشور ما این قبیل واردات عمدتاً در خدمت تأمین نیازهای داخلی است و صنایع کشور هنوز نتوانسته‌اند جایگاه خود را در زنجیره ارزش جهانی تعیین کرده و درصدد ارتقاء آن برآیند. نظر به وابستگی روز افزون



مقایسه اثرات تغییرات ساختاری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

هدیه وجدانی - دکتر احمد تشکینی

بررسی تغییرات ساختاری در کشورهای در حال توسعه در برگیرنده نتایج ذیل می‌باشد:

■ کشورهای در حال توسعه به لحاظ برخورداری از شرایط مناسب برای دستیابی به اشتغال پایدار و بهره‌وری بالاتر دارای پتانسیل‌های فراوانی برای توسعه صنعتی و تغییرات ساختاری در صنایع غذایی و آشامیدنی، صنایع تبدیلی، صنایع نساجی و پوشاک می‌باشند.

■ تغییرات ساختاری در کشورهای در حال توسعه بر خلاف کشورهای توسعه یافته که به دنبال دستیابی به سطوح بالای تکنولوژی و ایجاد مشاغل خدماتی مرتبط با صنایع کارخانه‌ای می‌باشند، به گونه‌ای است که آنها را به سمت فناوری‌های پیشرفته سوق نمی‌دهد و تغییر ساختار تولید در آنها تنها به سمت فعالیت‌هایی با بهره‌وری بالاتر می‌انجامد.

■ به دنبال تغییرات ساختاری در کشورهای در حال توسعه، اشتغال صنایع کارخانه‌ای در این کشورها افزایش می‌یابد.

■ در طول دهه ۸۰ سهم زنان در اشتغال صنایع کارخانه‌ای در تمامی مناطق جهان افزایش یافته لیکن از دهه ۹۰ اگرچه این سهم در اقتصادهای با درآمدهای بالاتر از متوسط، نظیر آفریقای شمالی و خاورمیانه، شروع به کاهش کرده اما در کشورهای با درآمد متوسط و پایین‌تر از آن، از جمله آمریکای لاتین، کارائیب و نیز جنوب آسیا همچنان به افزایش خود ادامه داده است.

۳- سیاست دولت‌ها در راستای بهبود آثار تغییرات ساختاری

دولتها می‌توانند با برقراری پیوندهای مناسب میان ساختار بخش صنعت و فعالیتهای تحقیق و توسعه، زمینه‌ساز افزایش مزیت نسبی بخش صنایع کارخانه‌ای باشند که به نوبه خود موجبات رشد تولید، افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را فراهم خواهد نمود. بنابراین به منظور بهره‌گیری هرچه بهتر از سیاست‌های صنعتی با تاکید بر گسترش صنایع کارخانه‌ای، فرایند سیاست‌گذاری باید به اندازه محتوای آن سیاست مورد توجه قرار گیرد. باید توجه داشت که به دلیل تضادهای موجود میان سیاست‌های رقابتی و صنعتی، هماهنگی میان سیاست‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو، ضروری است که هر کشوری فرایندی را که برگرفته از تجربه به‌کارگیری سیاست‌های صنعتی در کشورهای موفق پیشین است، طی نماید.

۱- تغییرات ساختاری و اهمیت آن

براساس گزارش سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، تغییرات ساختاری عبارت است از^۱ "ساز و کارهای مختلف فعالیتهای مولد در اقتصاد و توزیع متفاوت عوامل تولید میان بخشها و حرفه‌های مختلف، مناطق جغرافیایی، انواع تولیدات و". در راستای صنعتی شدن کشورها، تغییرات ساختاری از جمله عواملی است که در کنار نیروی کار و سرمایه، به عنوان مهمترین عامل بالقوه رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

تغییرات ساختاری عموماً از طریق ارتقاء تکنولوژی، متنوع-سازی و تخصصی‌شدن در صنایع کارخانه‌ای به وجود می‌آید. به بیان دیگر تغییرات ساختاری از طرق مختلفی ایجاد می‌شود که سه شیوه از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

■ انتقال نیروی کار از بخش‌های با بهره‌وری کمتر به بخش‌های با بهره‌وری بالاتر^۲.

■ انتقال در سرمایه از طریق افزایش در نسبت سرمایه به نیروی کار

■ بهبود تکنولوژی از طریق افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید^۳.

تحقیقات انجام شده حاکی از ارتباط تنگاتنگ میان رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای است و سرعت این رشد تا حد زیادی متأثر از افزایش سریع در سهم تولیدات صنایع کارخانه‌ای از اشتغال، تولید و صادرات جهانی می‌باشد. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۲ تولیدات صنایع کارخانه‌ای در کشورهای در حال صنعتی شدن حدود ۳۵ درصد از تولیدات جهانی و بیش از ۳۰ درصد از صادرات صنایع کارخانه‌ای در جهان را در بر گرفته است. از این‌رو کشورهایی که بیشترین تغییرات ساختاری آنها به سمت تولیدات صنایع کارخانه‌ای بوده است به سریع‌ترین رشد اقتصادی دست یافته‌اند. چین به عنوان کشور آسیایی که به تازگی به جرگه کشورهای تازه صنعتی‌شده پیوسته است و کشورهای آسیای جنوب‌شرقی مثال‌هایی در این زمینه هستند.

۲- آثار و پیامدهای ناشی از تغییرات ساختاری در کشورهای در حال توسعه:

تغییرات ساختاری دارای اثرات مختلفی بر تکنولوژی، تقاضا و هزینه‌ها می‌باشد و فرصتهای زیادی برای انباشت سرمایه و افزایش بازدهی به مقیاس اقتصادی فراهم می‌نماید. کشورها می‌توانند از طریق جذب تکنولوژی‌های موجود، تولید کالاها و خدمات صنایع کارخانه‌ای برای بازارهای جهانی و انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی به تغییرات ساختاری دست یابد.

^۱ - UNIDO, "Structural Change in the World Economy: Main Features and Trends", 2010.

^۲ - در اصطلاح، تغییرات ساختاری کاربر نامیده می‌شود.

^۳ - البته در پاره‌ای از موارد نیز تغییرات ساختاری بصورت ترکیبی از سه مورد فوق صورت می‌گیرد.

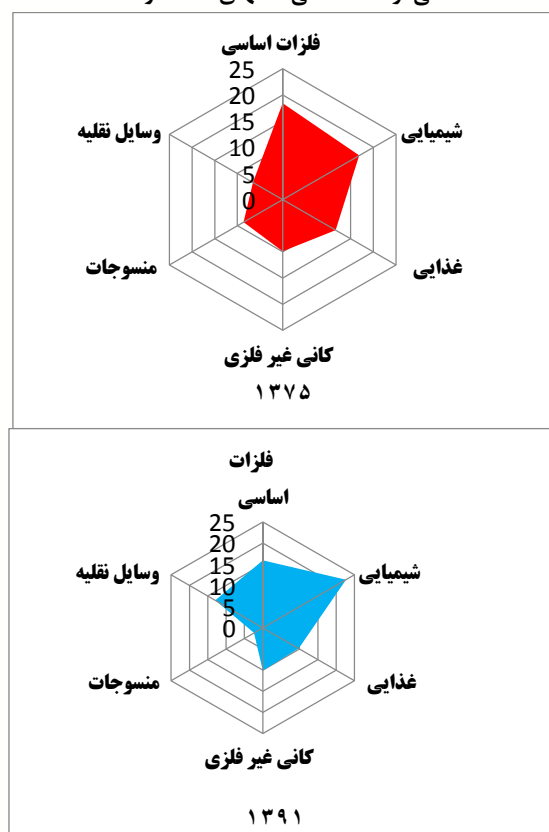
^۴ - بیش از ۸۰ درصد از صادرات کلایی جهان در سال ۲۰۱۲ مربوط به تولیدات صنایع کارخانه‌ای بوده است.

۵- زیرا این کشورها در رابطه با تنوع روش تولید از کالاهای کشاورزی و سنتی به سمت تولیدات صنایع کارخانه‌ای و سایر فعالیتهای مدرن ناتوان هستند و تنها درصد تقویت صنعتی چون صنایع تبدیلی، نساجی و پوشاک (به دلیل برخورداری از قابلیت‌های زیادی برای ایجاد اشتغال پایدار و افزایش بهره‌وری) می‌باشند.

۴- تغییرات ساختاری در ایران

تغییرات ساختاری در ایران به گونه‌ای بوده است که سهم ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی به سمت صنایع سرمایه‌بر تغییر کرده و سهم صنایع مصرفی و کاربر کاهش یافته و اشتغال نیروهای جدید را با مشکل مواجه نموده است که این امر به عنوان یکی از مهمترین دلایل چسبندگی بالای نرخ بیکاری در کشور محسوب می‌شود. (نمودار ۱)

نمودار(۱): تغییر ساختار سهم ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی از صنعت طی سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۹۱



ماخذ: پایش اطلاعات براساس داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳.

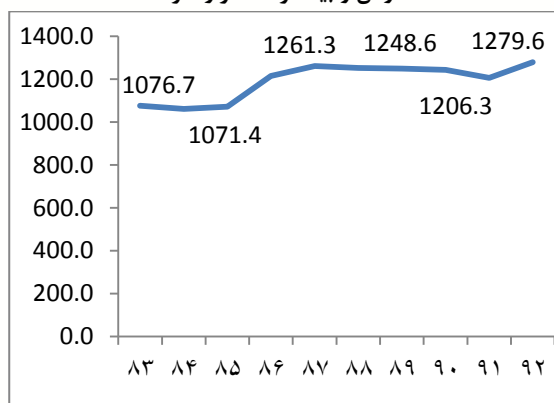
بخشی از صنایع کشور را صنایع بزرگ و سنگین تشکیل می‌دهند که اغلب کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی بادوام و یا کالاهای واسطه‌ای تولید می‌کنند. این گروه یا نظیر ماشین‌آلات برقی، محصولات فلزات اساسی و صنایع ساخت وسایل نقلیه موتوری، تکنولوژی متوسط داشته و انرژی‌بر هستند و یا همانند صنایع پالایشگاهی، تولید فرآورده‌های نفتی و مواد و محصولات شیمیایی و پتروشیمی مبتنی بر منابع می‌باشند. کشور ما با دراختیار داشتن منابع عظیم نفت و گاز، فاقد صنایع پایین‌دستی رقابتی در بخش پتروشیمی است و از آنجا که تمرکز بر توانمندی تکنولوژیکی به منظور حضور قدرتمند صنایع پایین‌دستی

این بخش در بازارهای داخلی و جهانی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، بکارگیری سیاست‌های حمایت مالی مناسب از سوی دولت به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در این صنایع با اولویت‌بخشی به فعالیت‌های پایین‌دستی در کنار فعالیت‌های بالادستی به عنوان یکی از اقدامات لازم برای توسعه صنعتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، تغییرات تکنولوژیکی در صنایع کارخانه‌ای ایران علیرغم ثبات نسبی اشتغالزایی در صنعت، ارزش بهره‌وری نیروی کار در این بخش را افزایش داده است به طوری که ارزش بهره‌وری نیروی کار در این بخش از حدود ۵۷ میلیون ریال به ازای هر شاغل در سال ۸۰، با نوساناتی به بیش از ۷۳ میلیون ریال در سال ۹۰، رسیده است. (نمودارهای ۲ و ۳)

نمودار(۲): تعداد شاغلین در کارگاه‌های بزرگ صنعتی با ۱۰ نفر

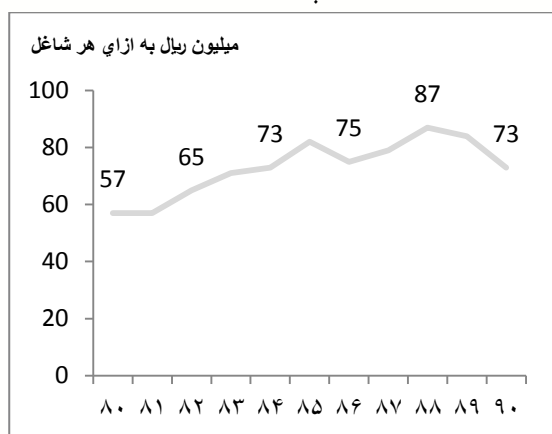
کارکن و بیشتر (هزار نفر)



ماخذ: نتایج آمارگیری از کارگاه‌های ۱۰ نفر کارکن به بالا، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳.

نمودار(۳): روند ارزش بهره‌وری نیروی کار در صنعت به قیمت

ثابت ۱۳۷۶



ماخذ: محاسبه شده بر اساس نتایج آمارگیری از کارگاه‌های ۱۰ نفر کارکن به بالا، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳.